

شناخت فلسفه سیاسی ابن سینا با استفاده از دیدگاه توماس اسپریگنز (با تاکید و تلخیص کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی نوشته ابوالفضل شکوری)

مصطفی علی اکبریان هاوشکی^۱

^۱ دانشجوی دکتری مسائل ایران، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، ایران

نویسنده مسئول:

مصطفی علی اکبریان هاوشکی



چکیده

اندیشه سیاسی در ایران یکی از مواردی است که درباره ی نحوه پیدایش و تکوین آن کتاب ها و مقالات علمی زیادی نوشته شده است. در این نوشته ها روند تکوین آن را به طیف های مختلفی تقسیم کرده اند. گروهی مانند دکتر محمد ناصر تقوی آن را رو به سوی پیشرفت دانسته اند. و گروهی مانند دکتر جواد طباطبایی را رو به عقب ارزیابی کرده اند. اما بی تردید ابن سینا یکی از ارکان اصلی پیدایش و تکوین اندیشه سیاسی در ایران است. این پژوهش قصد دارد تا به واکاوی اندیشه سیاسی ابن سینا با استفاده از دیدگاه توماس اسپریگنز بپردازد و در این راستا این سوال را مطرح می کند که: «جایگاه حکومت داری و سیاستمداری در اندیشه ابن سینا کجاست؟» بیشتر بخش های مقاله حاضر برگرفته شده از کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی نوشته ابوالفضل شکوری است که این کتاب به نوبه خود در مورد فلسفه سیاسی ابن سینا یکی از بهترین کتاب های موجود است.

کلمات کلیدی: اندیشه سیاسی، فلسفه سیاسی، سیاست مدینه، ابن سینا.

مقدمه

اندیشه سیاسی در ایران یکی از مواردی است که درباره ی نحوه پیدایش و تکوین آن کتاب ها و مقالات علمی زیادی نوشته شده است. در این نوشته ها روند تکوین آن را به طیف های مختلفی تقسیم کرده اند. گروهی آن را رو به سوی پیشرفت دانسته اند و گروهی آن را رو به عقب گرد ارزیابی کرده اند. اما بی تردید ابن سینا یکی از ارکان اصلی پیدایش و تکوین اندیشه سیاسی در ایران است. وی حکیمی است که در رشته های گوناگون در شرق و غرب حتی بعد از بیش از هزار سال پس از وفاتش زبان زد خواص و عام است. درباره نحوی زندگی و آثار وی کتاب ها و فیلم های متعددی وجود دارد اما متسفانه درباره اندیشه سیاسی وی و کتب وی در این مورد کار زیادی نشده است. که این موضوع باعث می شود تا شناخت اندیشه سیاسی وی کاری بسیار مشکل شود. این پژوهش سعی دارد تا با نظریه تامس اسپرینگز تا حدودی به کنه اندیشه سیاسی و شیوه حکومت از دیدگاه ابن سینا آشنا شود. این مقاله با تاکید بر کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا نوشته آقای ابولفضل شکوری قصد دارد این سوال را مطرح کند که: «جایگاه حکومت داری و سیاستمداری در اندیشه ابن سینا کجاست؟» کمبود منابع موثق یکی از محدودیت های اساسی این نوع تحقیقات است. این پژوهش دارای پنج فصل می باشد: در فصل اول درباره کلیات تحقیق مطالبی آمده است. در فصل دوم: زمانه و زندگی نامه ابن سینا بررسی شده است. در فصل سوم با مبانی فلسفی سیاسی ابن سینا آشنا می شویم. در فصل چهارم و پنجم با نظرات شیخ الرئیس در باب سیاست مدن آشنا می شویم و در آخر این مقاله بر اساس دیدگاه تامس اسپرینگز جمع بندی می شود.

پیشینه تحقیق

گروهی از افراد ابن سینا را حکیمی بزرگ می پندارند، از این گروه می توان به آقای ابولفضل شکوری اشاره کرد. وی در رساله ی دکترای و همچنین کتاب خود با عنوان فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی، وی را دانشمند و حکیمی می داند که تفکراتش تأثیرات زیادی بر فیلسوفان اسلامی دوران بعد از وی گذاشته است. از جمله ابن فیلسوفان می توان ملاصدرا، سهروردی، ابن طفیل، ابن رشد، خواجه نظام الملک طوسی و ... نام می برد. وی در این کتاب می نویسد که حتی می توان رگه های از اندیشه سیاسی ابن سینا را در تفکرات رنه دکارت هم ملاحظه کرد. در مقابل آنان، گروهی دیگر وی را یک فرد عادی و حتی متقلب و متقلد می دانند. از این جمله می توان به سید جواد طباطبایی اشاره کرد. وی در دو کتاب خود با عناوین زوال اندیشه سیاسی در ایران و درآمدی فلسفه بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران ابن سینا را از بنیانگذاران زوال اندیشه سیاسی در ایران در می داند و وی را کپی بردار از فلاسفه یونانی می داند. گروهی دیگر از نویسندگان به شرح حال زندگی ابن سینا بسته کرده اند و وارد بحث اندیشه سیاسی نشده اند. از این جمله می توان به نوشته های آقای حاتم قادری در کتاب اندیشه سیاسی در اسلام و ایران اشاره کرد.

چهارچوب نظری

تامس اسپرینگز در کتاب فهم اندیشه سیاسی، می نویسد فهم و شناخت اندیشه سیاسی و نظریه سیاسی یک فرد چهار مرحله دارد:

- ۱- احساس درد یا بحران: تا بحران نباشد نظریه نیست زیرا بحران انسان را به تفکر برمی انگیزاند.
 - ۲- ریشه یابی مشکل: در این مرحله با ریشه های زیربنایی بحران از دیدگاه فرد آشنا می شویم. اگر ریشه را درست تشخیص ندهیم در راه حل دچار مشکلاتی می شویم
 - ۳- راه حل: در این مرحله راه حل ها ارائه می شود ولی اسپرینگز می گوید افراد در لفافه حرف می زنند و باید منظور آنها را کشف کرد.
 - ۴- آرمان: هر کسی که راه حل ارائه می دهد یک آرمان دارد که بر اساس آن نظر و راه حل می دهد.
- وی می گوید اگر این چهار مرحله به درستی انجام شود منطق درونی یک نظریه اشکار می شود. لذا این پژوهش بر آنست تا بر این اساس منطق درونی اندیشه سیاسی ابن سینا را بر اساس کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی بررسی کند.

زمانه و دروان ابن سینا

زمانه ای که ابن سینا در آن می زیسته ملغمه ای از شرایط سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی خاص حکومت اسلامی آن زمان بوده است که در زیر به سه بخش اصلی آن که عبارت بودند از: چندپارگی سیاسی خلفا و سلاطین، چندپارگی مذهبی اسماعیلیان و سنیان و تکریم نوابق، اشاره می شود.

چندپارگی سیاسی خلفا و سلاطین

در زمان زندگی وی تضاد بین حکومت الهی و ریاست دنیوی شکاف زیادی داشت. خلیفه و سلاطین بر سر قدرت مبارزه می کردند ولی عملاً قدرت سلاطین بیشتر بود، حتی زمانی ال بویه خلیفه را عزل و نسب می کردند (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۹). لذا خلیفه قدرت سلاطینی که بر حسب غلبه^۱، استیلاء یا شیوه ای دیگر که قدرت رسیده بودند را تایید می کرد و از آنان برای حفاظت از مرزهای حکومت اسلامی استفاده می کرد^۲ و در عوض سلاطین با ضرب سکه و ختبه خواندن به نام وی به خلیفه اظهار وفاداری می کردند (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۷). لذا در دوره ی ابن سینا شاهد رفت و آمدن سلاطین زیادی هستیم که این خود مایه ناامنی و سخت شدن روزگار بر مردم آن دوران بود. لهذا می توان گفت در آن دوره خلیفه به دنبال سعادت اخروی مردم و سلاطین به دنبال سعادت دنیوی مردم بودند ولی عملاً بر عکس آن عمل می شد.

از حکومت های دنیوی مهم آن دوران می توان به قلمرو سامانیان در بخش‌هایی شمال و غرب خوراسان بزرگ^۳ اشاره کرد که بعدها غزنویان که در بخش‌هایی شرقی خوراسان بزرگ حکومت داشتند قلمرو آنان را تصرف کردند و حاکم کامل خوراسان بزرگ شدند. زیاریان نیز بر گرگان و اطراف دریای خزر تسلط داشتند. دیلمیان بر بخش‌های مرکزی ایران مانند همدان و اصفهان و ... تسلط داشتند (شکوری، ۱۳۸۴، ۵۰-۶۸).

چندپارگی مذهبی اسماعیلیان و سنیان

به لحاظ مذهبی و گروه‌های مذهبی که به دنبال تصاحب قدرت بودند سه گروه عمده وجود داشت که در جهان اسلام آن روز به فعالیت عمده می پرداختند و از غرب به شرق جهان اسلام عبارت بودند از:

- ۱- خلفای اموی در اندلوس^۴: این گروه به دنبال بار پس گیری خلافتشان بودند که عباسیان از آنها گرفته بودند ولی وقت آنها عملاً صرف مهار حملات اروپاییان برای بازپس گیری اندلوس می شد و در جنوب هم زد و خورد‌هایی با اسماعیلیان داشتند و عملاً تأثیری بر خلافت عباسیان نداشت.
- ۲- اسماعیلیان: آنان موفق شدند تا در مصر بزرگ^۵ حکومت محلی تشکیل دهند. سپس داعیان^۶ خود را به سراسر جهان فرستادند. گروهی از این داعیان به دولت سامانی آمدند و مردم زیادی از جمله نصر حاکم سامانی معاصر با سنین ۱۸-۲۰ سالگی ابن سینا را اسماعیلی کردند. این امر موجب شد که ولیعهد نوح بن نصر کودتا کند و با نام خلیفه به قدرت برسد. وی پدرش و کلیه افرادی که اسماعیلی شده بودند را در یک قتل و عام وسیع نابود کند (شکوری، ۱۳۸۴، ۴۰-۵۰) - (از آن جمله می توان برادر و پدر ابن سینا را نام برد).
- ۳- خلفای عباسی: اینان در قدرت اصلیشان در شرق جهان اسلام بود که از شبه جزیره عربستان تا چین را در بر می گرفت. آنان عملاً قدرتی در این مناطق نداشتند زیرا سالیان سال جنگ با حکم محلی آنها را عاری از قدرت کرده بود ولی چنانچه اشاره شد آنان از قدرت‌های محلی برای نابود کردن دشمنانشان استفاده می کردند (شکوری، ۱۳۸۴، ۳۲).

^۱ به قدرت رسیدن با خون ریزی زیاد.

^۲ زیرا خلیفه توان نظامی کافی برای مخالفت یا حذف آنها را نداشت.

^۳ خوراسان بزرگ در نقشه امروزی جهان شامل: افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، بخش‌های از ازبکستان و محدوده‌ی یه استان خراسان ایران و بخش‌هایی از استان‌های کرمان و یزد است.

^۴ اسپانیای امروزی و بخش‌هایی از فرانسه و پرتغال.

^۵ اکنون شامل: مصر، سودان جموب، سودان و لیبی.

^۶ دعوت کنندگان.

تکریم نوابق

اما در این زمان که در نوبه خود زلزله سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام بود، سلاطین مختلف در دربارهایش از شعرا، فیلسوفان، ریاضی دانان، منجمان و ... که در زمانه و کشور خود زبان زد بودند تکریم می کردند. این عمل فرصت زیادی برای دانشمندان برای شکوفا شدن فراهم می کرد. انگیزه حکام محلی از این عمل را می توان به دو صورت زیر تصور کرد:

۱- علم دوستی: حکام سامانی و دیلمی علاقه زیادی به علم اندوزی داشتند در در قلمرو آنان کتابخانه‌های پر باری بود. برای نمونه وقتی ابن سینا یکی از حکام سامانی را درمان کرد اجاره یافت تا به کتابخانه سلطنتی برود و در آنجا کتاب‌هایی دید که به عمرش ندیده بود. یا شیخ در اصفهان در خدمت حکام دیلمی اجازه یافت تا کتابخانه خودش را تاسیس کند.

۲- فخر فروشی به حکام دیگر: سلاطینی مانند سلطان محمود غزنوی برای فخر فروشی به حکام دیگر علمای زیادی را در غزنه جمع کرده بود و می خواست ابن سینا را هم با خود همراه سازد اما نتوانست ولی افرادی نظیر ابوریحان بیرونی در خدمت وی بودند.

زندگی نامه ابن سینا

دو منبع موثق راجب اتفاقات و جریان زندگی ابن سینا وجود دارد الف: زندگی نامه دست نویس وی توسط خودش که اتفاقات زندگی را تا سن ۳۳ سالگی توضیح داده است. ب: نوشته های جوزانی یکی از شاگردان وی، که از اتفاقات زندگی ابن سینا را از حدود ۳۲ و ۳۳ سالگی تا آخر عمر استادش را در حدود ۵۷ سالگی توضیح می دهد.

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا ملقب به شیخ الرئیس در سال ۳۷۰ هجری قمری^۷ در افسنه در اطراف بخارا پایتخت سامانیان به دنیا آمد. نام پدر عبدالله و نام مادرش ستاره بود. پدر وی از کارگزاران مالیاتی امیر نوح بن منصور سامانی و از شیعیان اسماعیلی بود برادر شیخ (محمود ابن سینا) از داعیان اسماعیلی در بخارا بود. شیخ برادر دیگری به نام علی نیز داشت. وی قبل از رسیدن به سن بلوغ به درمان بیماران می پرداخت به گونه ای که آوازه اش به دربار سامانی هم رسیده بود و حتی امیر سامانی را هم با موفقیت درمان کرد. در ۲۲ سالگی پدرش را از دست داد و به کار دولتی مشغول شد. اما به دلیل تهدیدات سلطان محمود غزنوی به دیار گرگانج رفت و با ابوریحان بیرونی آشنا شد. پس از مدتی امیر گرگانج که ارتباط سببی با محمود غزنوی داشت بر اثر فشار سلطان غزنوی ابوریحان را به مامورین سلطان داد ولی ابن سینا عازم گرگان و دربار زیاریان شد. سپس به ری و دربار دبلمیان رفت و به مقام وزارت رسید.^۸ بعد از مرگ امیر، به زندان افتاد و رساله حی بن یقظان را نوشت. سپس راهی اصفهان شد و به کارهای علمی پرداخت. در یک سفر جنگی با علاء دوله حاکم اصفهان به همدان رفت و در جمعه روز اول ماه رمضان سال ۴۲۸ هجری قمری درگذشت (شکوری، ۱۳۸۴، ۶۳-۷۲).

آشنایی با مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی ابن سینا

هر نظام فکری کلید واژه هایی خاص خود دارد که با شناخت آنها می توان کل نظام را شناخت. در این جا برخی از کلید واژه های فلسفه سیاسی اندیشه سیاسی ابن سینا را مورد واکاوی قرار می کنیم:

اجتماع سیاسی (مدینه): اجتماع سیاسی عبارت است از: مجموعه ای از انسان ها که در ریز لوای یک حکومت با هم زندگی می کنند (کالوم، ۱۳۸۳، ۷۳). فلسفه سیاسی و فرقیش با دانش سیاسی: در تعریف فلسفه سیاسی باید گفت که فلسفه سیاسی عبارت است از: تاملی فلسفی در این خصوص که چگونه می توان به بهترین شیوه، حیات جمعی، یعنی نهادهای سیاسی در رسوم اجتماعی از قبیل نظام اقتصادی و الگوی زندگی خانوادگی سامان سیاسی (جامعه) خود را تنظیم کرد. فیلسوف سیاسی و دانشمند سیاسی هر دو درباره اجتماع سیاسی و انسان بحث می کنند با این تفاوت که دانشمند سیاسی به واقعیت ها یعنی آنچه که هست می پردازد ولی فیلسوف سیاسی به آنچه که باید باشد. فیلسوفان سیاسی یا حافظ وضع موجودند یا خواهان تغییر آن و رسیدن به جامعه آرمانی (شکوری، ۱۳۸۴، ۱۲۶).

انواع حکمت: فیلسوفان حکمت را به دو بعد نظری و عملی تقسیم می کنند. حکمت نظری پیدایش هستی و ماورا الطبیعت را بررسی می کند و مراحل تکوین جهان هستی را مطالعه می کند. که خود شامل سه قسمت علم اسفل (علوم تجربی و فیزیکی)، علم اوسط (ریاضیات و موسیقی) و علم اعلی (مابعدالطبیعه و متافیزیک) می شود. حکمت عملی شیوه اداره مدینه را بررسی می کند و شامل: اخلاق (علوم اجتماعی) تدبیر منزل (اقتصاد) و سیاست مدن (علوم سیاسی) می شود. این حکمت در مرحله اول امور فردی و اخلاقی را رفع می کند در مرحله دوم امور منزل و اقتصاد را سامان می بخشد و در مرحله سوم ما را با سیاست مدن

^۷ به قولی دیگر ۳۶۷ هجری قمری.

^۸ ولی به دلیل نحوه برخوردش با نظامیان آنها علیه وی شورش کردند و امیر دیلمی وی را از وزارت کنار گذاشت.

آشنا می کند. ابن سینا حکمت ابزاری را به آنها افزود. وی حکمت ابزاری یا علم منطق را به علم سیاست مرتبط ساخت (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۱۳-۲۱۵).

ابن سینا دیدگاه های سیاسی خود را در که همان حکمت عملی باشند را در پنج قالب متفاوت بحث کرده است که عبارت اند از:

- ۱- در چهار چوب نظام طبقه بندی دانش ها،
 - ۲- در چهار چوب منظومه فلسفی خود،
 - ۳- در چهار چوب حکمت مشرقیه و آثار رمزی خود:
 - ۴- در چهار چوب علم منطق،
 - ۵- در قالب تک نگاری ها و رساله های منفرد.
- ۱- در چهار چوب نظام نظام طبقه بندی دانش ها: فلسفه علم به عنوان ابزاری برای روششناسی و طبقه بندی دانش ها از دیر باز به عنوان سنگ زیرین کاخ بلند فلسفه و علوم و کلید ورود به اندرون این کاخ هوشمند محسوب می شده است و فیلسوفان اسلامی کوشیده اند تا اندیشه های خود را بر پایه آن چهارچوب بندی نمایند. ابن سینا از جمله کسانی است که در این وادی گام های زیادی برداشته است. وی در کتاب اقسام العلوم العقلیه برای نخستین بار تعداد دانش های عقلی و فلسفی را به ۵۳ علم رسانده است. و علوم سیاسی را از آنان می داند. وی حوزه سیاست را از حوزه خصوصی جدا می سازد و ورود دولت به آن را ممنوع می شمارد که در مقایسه با پیشینیان خود، این عمل یک نوآوری محسوب می شود (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۰۸-۲۲۳).
- ۲- در چهار چوب منظومه فلسفی خود: دستگاه فلسفی وی برای تاسیس مدینه عاده جهت پرورش انسان های سعادت مند سازمان دهی شده است و رسیدن به عدالت را عین رسیدن به سعادت می داند. بنابراین دستگاه فلسفی وی به گونه ای سازمان دهی شده که به مبحث سیاست و حکمت عملی منجر می گردد (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۲۵).
- ۳- در چهار چوب حکمت مشرقیه و آثار رمزی خود: حکمت مشرقیه ابن سینا: از دید آقای شکوری: ابن سینا دو نوع فلسفه دارد که یکی همان ملسفه ارسطویی معروف به مشائی است و دیگری حکمت مشرقیه است. کتاب های مربوط به این فلسفه دو نوع هستند بخشی به زبان رمز و در قالب قصه اند مانند رساله های حی بن یقظان، رساله الطیر و سلامان و ابسال. و بخشی دیگر که رمزی نیستند و ادبیات معمولی دارند مانند: فصول آخر کتاب الاشارات و تنبیهات. (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۲۷)
- ۴- در چهار چوب علم منطق: مطرح ساختن مسائل سیاست در ضمن مباحث منطق موجب آن شده است که این بخش از فلسفه سیاسی وی از دسترس بسیاری از علاقه مندان به این موضوع خارج بشود. تا جایی که برخی گمان برده اند که ابن سینا به جز مقاله دهم از الهیات شفا، بحث سیاسی دیگری نداشته است (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۳۰).
- ۵- در قالب تک نگاری ها و رساله های منفرد: غالب دیگری که شیخ برای بیان مسائل سیاسی و حکمت عملی انتخاب کرده بود رساله ها و کتب مستقل وی در این خصوص است. اگر این تک نوشته ها را کنار هم جمع کنیم، محتوای یک دیگر را به صورت یک منظومه اندیشه ای و فلسفی تکمیل می کنند (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۳۳).

تفکرات سیاسی ابن سینا (شرایط ایجاد مدینه)

برای شناخت مبانی فلسفی ابن سینا موارد زیر از ضروریات است:

- ۱- مبدا نخستین: شیخ با تمسک به زنجیره علل در هستی به علت العلل و مبدا نخستین می رسد که علت تامه همه ی پدیده های هستی است و خود معلول چیز دیگری نیست و همه عالم از او سرچشمه می گیرد و ان را واجب الوجود می نامد. او خود غیر متحرک ولی محرک نخستین است.
- ۲- صدور: عالم هستی و طبیعت و افلاک از وجود مطلق واجب الوجود صدور یافته اند. این پدیده ها از دو نوع هستند یا از مجرداتند (عقول و نفوس) یا از عناصر مادی. نخستین افریده عقل اول نام دارد که ممکن الوجود است و تکثر هستی و توسعه دامنه مخلوقات را برعهده دارد. پس از ان عقل دوم است که نفس فلکی را به وجود می آورد (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۸۴).
- ۳- عقل فعال: از واجب الوجود تا عقل فعال ده عقل فاصله است که به آنان عقول عاشره می گویند که تدبیر امور مربوط به زمین را همین عقل دهم یا عقل فعال به عهده دارد. نفوس بشری معلول وی هستند و به نحوی به ان مرتبط اند. عقول عاشره جسم ندارند بلکه جوهرند اما جوهر مفارق هستند.
- ۴- نفس ناطقه: که همان جان و روان است. ابن سینا بر آنست که جهان طبیعت نیز مانند بدن انسان دارای جان و روان است که همان ملائکه یا نیروهای لطیف غیر محسوس هستند و نفوس فلکی یا کیانی نام دارند. وی مانند فلاسفه

یونان نفوس زمینی را سه بخش می‌داند نفس گیاهی، نفس حیوانی و نفس انسانی. و نام دیگر نفس انسانی، نفس ناطقه. نفس ناطقه از جنس جوهر است و بعد از مرگ نابود می‌شود و به سعادت می‌رسد.

۵- ابن سینا در رساله اثبات نبوت از عقل قدسی سخن می‌گوید و این نوع عقل از ابداعات وی است. و اتصال نفس ناطقه به واجب الوجود بدون واسطه گری عقل فعال را وحی می‌نامد.

ابن سینا کلمه سیاست را به معنی «بررسی ریاست‌ها و اجتماعات مدنی چه فاضله و چه رذیه می‌داند. و علم سیاست را معرف چگونگی پیدایش و تکوین هر یک از جماعات بشری و بیان علت زوال و دلیل انتقال آنها می‌داند (شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۳). در این راستا وی عوامل اجتماعی، وجود قانون و اقتصادی را در شکل‌گیری مدینه^۹ مهم می‌داند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

عامل اجتماعی: ابن سینا در هیچ یک از آثار خود به مدنی بالطبع بودن انسان اشاره ندارد و اجتماع و تمدن را ناشی از نیاز افراد به همدیگر می‌داند. و در کتاب اشارات و تنبیهات می‌نویسد: «از آنجا که انسان بدون مشارکت دیگر افراد جنس خود به تنهایی توانا بر انجام امور خود نیست و بدون عرضه متقابل حاصل کار خود و معاوضه آن در میان آنان، مشکلات بر تک تک آنان انبوه می‌شود.» لذا به تاسیس مدینه اقدام می‌کند. وی بر تقسیم کار در جوامع بشری تأکید زیادی دارد. در کتاب مذکور می‌نویسد که باید در مدینه همه کار کنند و افراد بیکار باید از انجا اخراج شوند حتی اگر معلول باشند. وی افراد مدینه را بر سه گروه مدبران، صنعتگران و نظامیان تقسیم می‌کند. و هدف مدینه را سعادت دنیوی و اخروی می‌داند (شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۴-۳۰۷). وی خانواده را از ارکان اصلی مدینه برمی‌شمارد^{۱۰}، لذا با طلاق مخالف است ولی در شرایط سخت آن را می‌پذیرد. وی با تعدد زوجه موافق است ولی با تعدد زوج مخالف است و آن را از مضرات مدینه می‌داند (شکوری، ۱۳۸۴، ۳۲۷-۳۲۸).

عامل وجود قانون: شیخ معتقد است هر مدینه ای بدون توجه به جمعیتش نیاز مند قانون و مقررات ویژه است. نهادهای قانون گذاری مهمترین نهادهای مدینه هستند. لذا یکی از ضروریات مدینه این است که مشاوران ویژه و ای را که به فن خطابه مسلط بوده و بر موضوع سنن و قوانین کاملاً آشنا باشند، برای مدینه انتخاب شوند (شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۹). شیخ معتقد است در مدینه حوزه خصوصی و عمومی زندگی افراد باید از هم جدا شود و قانون گذار حق دخالت در حوزه خصوصی افراد مدینه را ندارد. وی معتقد است عبادت در حوزه عمومی قرار می‌گیرد و باید در جامعه اجرا شود ولی نباید در آن سخت گرفت (شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۹-۳۲۰).

عامل اقتصادی: وی افراد مدینه را بر سه گروه مدبران، صنعتگران و نظامیان تقسیم می‌کند. مدبران شامل: سیاسیون، مدبران، عالمان و صلح‌بان اندیشه می‌شوند. صنعتگران شامل کشاورزان، بازرگانان و پیشه‌وران می‌شوند. و نظامیان شامل پلیس، مرزبانان و ... می‌شوند. وی به اشتغال در مدینه اهمیت زیادی می‌نهد و درآمدی که از راه کسب و کار نباشد را نامشروع می‌داند. شیخ معتقد است: معاملات و جاری و مهم مدینه باید تحت نظارت امام و حاکم مدینه باشد تا صحت آن مورد تأیید قرار گیرد (قادری، ۱۳۷۸، ۱۶۰).

تفکرات سیاسی ابن سینا (انواع مدن)

ابن سینا در مقاله دهم الهیات شفا درباره انواع مدینه‌ها سخن گفته است. و از شش مدینه وحدانی، کرامت، فکریه، دموکراسی، سقراطی و عادلانه سخن گفته است که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- مدینه وحدانی: این اصطلاح از ریشه واحد به معنی تک است و از ابداعات خود ابن سینا است. «سیاسیت وحدانب

آنست که سانس در امور مدینه به مشارکت دیگران به هیچ وجه راضی نباشد و تن ندهد.» (ابن سینا، مدخل ۴، ۶۲). این مدینه در زمره مدینه‌های غلبه است که آن نیز در زمره مدائن رذیه است. هدف این مدینه به بردگی واداشتن مرم است. در ادبیات سیاسی امروز از آن با عنوان حکومت خودکامه یاد می‌کنند.

۲- مدینه کرامت: در این نوع حکومت رئیس مدینه مصالح مردم را رعایت می‌کند نه بخاطر عوض مادی خاص، بلکه صرفاً برای این که آنان در تکریم و تعظیم وی بکوشند. غایت این حکومت حفظ کرامت، عزت و نگرانی از آنها است. در ادبیات سیاسی امروز از آن با عنوان حکومت ناسونالیستی یاد می‌کنند زیرا عزت و افتخار قومی از همه چیز با ارزش تر است. این نوع حکومت آمادگی تبدیل شدن به حکومت تغلیبی را دارد. فارابی در این زمینه می‌گوید: مردم این مدینه مداین دیگر به جز خود را جاهله، خود را مدینه فاضله می‌دانند.

۳- مدینه فکریه: این اصطلاح همانند اصطلاح مدینه وحدانی از ابداعات ابن سینا است. در این نظام: «پیشوا ثروتمند باشد و ریاست، رهبری و تدبیر امور دیگران به خاطر ثروتش به دست بیاورد، اما بدون آنکه جنبه غلبه و اعمال زور داشته

^۹ مدینه در اندیشه ابن سینا به سرزمینی با افراد خاص که حاکمیت یک دولت را قبول کرده اند، اطلاق می‌شود. و معادل پلیس در فلسفه یونان است.

^{۱۰} بر اساس اسناد موجود شیخ تا آخر عمر از دواج نکرد.

باشد. «ابن سینا، مدخل ۴، ۶۲). وی از این مدینه، با عنوان مدینه خست و مدینه قلت نیز یاد می کند. ابوالفضل شکوری می نویسد: شاید استفاده واژه فکریه به دلیل آن است که حاکم بدون استفاده از زور و با تفکر و خرج مال به این مقام رسیده است (شکوری، ۱۳۸۴، ۳۲۷).

۴- مدینه دموکراسی: یا مدینه حریت مدینه است که: حکومت و حاکم از طریق اتفاق نظر و اجماع احاد مردم و رای آنان به وجود می آید. در این مدینه همه افراد در برابر قانون باهم مساویند و از حقوق و کرامت یکسانی بهره می برند. در این نظام سیاسی کسی نمی تواند بدون اتفاق آراء مردم به مقام ریاست برسد و هر وقت آنها بخواهند می توانند حاکم را عوض کنند. هدف نهایی این مدینه رسیدن به آزادی است. این نوع حکومت قابل تبدیل به حکومت قلت (حاکم اگر سهل گیر باشد) و غلبه (حاکم اگر سخت گیر باشد) را دارد.

۵- مدینه سقراطی: ای نوع حکومت خود به نظام سیاسی خیر و نظام سیاسی ملک تقسیم می شود که هر دو نظامی الهی محسوب می شوند و این نوع نظام از سقراط به بعد مد نظر کلیه فیلسوفان بوده است. مدینه خیر بر دو نوع است: در حالت نخست یک فرد فاضل در راس امور است و قصد به سعادت رساندن مردم مدینه را دارد، لذا نظام سیاسی آنان سیاست خیر است. در حالت دوم: جمعی از افراد که هر کدام واجد یک فضیلت هستند ولی هیچ یک به تنهایی کلیه فضایل را ندارند، حکومت شورایی مدینه را در دست دارند، لذا نظام سیاسی آنان سیاست اختیار نامیده می شود.

نتیجه گیری

یک ویژگی مثبت ابن سینا استفاده از فلسفه ایرانی با همان حکمت مشرقیه است و گشودن راهی که بعدها شیخ اشراق سهروردی آن را ادامه داد و به درجات والا رساند اما همین مسئله می تواند نقطه ضعف وی نیز باشد زیرا شیخ الرئیس می توانست فلسفه ایرانی اشراق را بسط دهد وی به دنبال فلسفه مشائی رفت. ابن سینا در نظام های فکریه یا خست و کرامت به کنترل درونی و فردی معتقد است و در نظام دموکراسی به کنترل بیرونی و جمعی اعتقاد دارد. همانطور که مشاهده کردیم، برای فهم اندیشه سیاسی ابن سینا تامل با نظریه اسپریگنز و چهار مرحله اش در مقایسه ابن سینا موارد زیر به دست می آید:

- ۱- احساس درد یا بحران: ابن سینا از تفرق آراء درباره نو حکومت احساس خطر می کند - مصادیقش را در فصل دوم و نزاع بین خلیفه و حکام محلی و اختلافات شیعه و سنی آوردیم.
 - ۲- ریشه یابی مشکل: ابن سینا ریشه مشکلات را در ناامنی می بیند. وی برای کسب امنیت و آرامش همواره در سفر و فرار از دست سلطان محمود بوده است.
 - ۳- راه حل: براساس کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا، شیخ راه حل را در یک پارچگی سیاسی می دید و می خواست با در هم آمیزی شیوه های حکومت داری به یک شیوه حکومت واحد دست یابد.
- آرمان: هدف غایی شیخ رسدن همه افراد به سعادت و خیر جمعی، دنیوی و اخروی بوده است.

منابع و مراجع

- ابن سینا، الشفاء- المنطق، مدخل ۴.
- اسپریگنز توماس (۱۳۷۰)، فهم نظریه سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات آگاه.
- تقوی محمد ناصر (۱۳۸۴)، دوام اندیشه سیاسی در ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- شکوری ابوالفضل (۱۳۸۴)، فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی، تهران: انتشارات عقل سرخ.
- طباطبایی جواد (۱۳۹۳)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: نشر کویر، چاپ ۱۱.
- طباطبایی جواد (۱۳۹۴)، زوال اندیشه سیاسی در ایران، تهران: نشر کویر، چاپ ۱۰.
- قادری حاتم (۱۳۷۸)، اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت.
- کالوم جرادلی مک (۱۳۸۳)، فلسفه سیاسی، ترجمه بهروز جندقی، قم: موسسه فرهنگی طه.